

فلسفه و اهداف متعالی قیام عاشورا



امام حسین(ع) اهداف والا و متعالی برای قیام خود داشتند که بهترین و موثق‌ترین راه برای شناخت فلسفه و اهداف متعالی نهضت سیدالشهدا (ع)، کلام ایشان و سایر اهل بیت علیهم السلام است.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، محمدمهدی مؤمنی‌ها دبیرکل بنیاد بین المللی تکریم ادیان و مذاهب، در آستانه عاشواری حسینی در یادداشتی نوشت: امام حسین(ع) اهداف والا و متعالی برای قیام خود داشتند که بهترین و موثق‌ترین راه برای شناخت فلسفه و اهداف متعالی نهضت سیدالشهدا (ع)، کلام ایشان و سایر اهل بیت علیهم السلام است، مجموع خطبه ها، سخنان، نامه ها و وصیت نامه امام حسین(ع) که درباره اهداف و انگیزه های قیام عاشورا است و نیز برخی از تعبیر زیارت نامه های متعدد و مختلف که از امامان دیگر درباره حضرت رسیده است و در آن ها به انگیزه قیام پرداخته شده است.

از سخنان مختلف سیدالشهدا(ع) می توان چهار هدف را برای اقدامات و فعالیت هایشان در عصر حاکمیت یزید استخراج کرد:

الف - احیای مظاهر و نشانه های اسلام اصیل و ناب محمدی

ب- ایجاد وحدت و همدلی بین امت اسلامی

ج - اصلاح و بهبود وضع مردم سرزمین های اسلامی

د - مبارزه با ستمگران اُموی جهت تأمین امنیت و آسایش برای مردم ستمدیده

ه - فراهم ساختن بستری مناسب برای عمل به احکام و واجبات الهی

حضرت آیت الله خامنه ای هدف امام حسین(ع) را بازگرداندن جامعه اسلامی به مسیر صحیح خود و مبارزه با انحرافات بزرگ دانسته است. به اعتقاد او میان هدف و نتیجه خلط شده است چرا که نتیجه این هدف تشکیل حکومت یا شهادت بود در حالی که برخی این دو را هدف امام حسین می دانند.

امام حسین(ع) ضمن وصیت نامه ای که هنگام خروج از مدینه و در زمان وداع با برادرش محمد بن حنفیه برای وی نوشت، هدف از حرکت خویش را چنین بازگو کرد:

من نه از روی سرمستی و گستاخی و نه برای فساد و ستم گیری حرکت کردم. بلکه تنها برای طلب اصلاح در امت جدم حرکت کردم. می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدم و پدرم علی بن ابی طالب عمل کنم.

و در زیارت های مختلف که درباره امام حسین(ع) از امامان(ع) وارد شده، این تعبیر فراوان دیده می شود:

«الشَّهِدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الْمَمْلُوهَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَالْمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ»

گواهی می دهم که تو نماز را بپا داشتی و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی.

از این عبارات، اهداف ذیل را از قیام حضرت، می توان استفاده کرد:

الف - طلب اصلاح در امور امت پیامبر(ص)

ب - امر به معروف

ج - نهی از منکر

د - عمل به سیره رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین(ع) همانند برپایی نماز و پرداخت زکات

حضرت در نامه‌ای که در زمان اقامت خویش در مکه در پاسخ دعوت به نامه های بزرگان کوفه مبني بر آمدن به کوفه، نوشتند، فلسفه قیام و هدف از قیام را، تلاش در جهت برپایی حکومتی می‌دانند که رهبر و پیشوای آن، صفات و امتیازات ذیل را دارا باشد:

الف - به کتاب خدا حکم کند.

ب - عدالت را در جامعه حاکم کند.

ج - متدیّن و معتقد به دین خدا باشد.

د - خود را وقف خدا و اهداف الهی کند.

سیدالشهدا(ع) در نامه ای که ضمن آن از بزرگان بصره دعوت به همیاری و همراهی با وی کرده است، علّت و هدف از نهضت خویش را چنین بیان می‌کند: من شما را به کتاب خدا و سنّت پیامبرش می‌خوانم. همانا سنّت پیامبر(ص) از بین رفته است و بدعت زنده شده است.

ایشان در جواب عبدا بن مطیع می‌فرماید: کوفیان به من نامه نوشته و از من خواسته اند به نزدشان بروم، چون امیدوارند (که با رهبری من) نشانه های حق زنده و بدعت‌ها نابود شود.

و نیز در نامه ای که به شیعیان بصره نوشتند، فرمودند: من شما را به زنده کردن نشانه های حق و نابود کردن بدعت‌ها می‌خوانم.

از مجموع نامه و پاسخ حضرت، این اهداف را می‌توان برای نهضت عاشورا استفاده کرد:

الف - دعوت (و عمل) به کتاب خدا و سنّت پیامبر (ص)

ب - احیای سنّت پیامبر(ص) که از بین رفته است، و برپایی مظاهر حق و حقیقت

ج - از بین بردن بدعت‌ها (که جایگزین احکام خدا و سنّت پیامبر(ص) شده است).

ابا عبدا در خطبه ای که پس از برخورد با حرّ بن یزید ریاحی در منزل «بَیْضَه» ایراد فرمودند، انگیزه قیام خود را با استناد به فرمایش پیامبر اکرم(ص) چنین بیان کردند:

ای مردم ! رسول خدا (ص) فرمودند: کسی که فرمانروای ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال کرده و پیمان الهی را شکسته و با سنت رسول خدا (ص) مخالفت ورزیده در میان بندگان خدا با گناه و تجاوزگری رفتار می‌کند، ولی در برابر او با کردار و گفتار خود برنخیزد، برخدا است که او را در جایگاه (عذاب آور) آن ستمگر قرار دهد. هان (ای مردم) بدانید که اینها تن به فرمانبری از شیطان داده و اطاعت از فرمان الهی را رها کرده و فساد را نمایان ساخته و حدود خدا را تعطیل نموده اند، درآمدهای عمومی (بیت المال) مسلمانان را به خود اختصاص داده اند و حرام خدا را حلال و حلالش را حرام کرده اند و من شایسته ترین فرد برای تغییر دادن (سرنوشت و امور مسلمانان) هستم.

از این خطبه و یا نامه، علّت قیام سیدالشهدا (ع) را می توان این امر دانست که حاکمان بنی اُمَیَّه (به ویژه یزید) اقدامات ضدّ دینی زیر را مرتکب شده اند:

الف - فرمانبری از خدا را رها کرده و به اطاعت از شیطان رو آورده اند؛

ب - فساد را (در زمین) آشکار کرده اند؛

ج - حدود الهی را تعطیل کرده اند؛

د - بیت المال را به خود اختصاص داده اند؛

ه - حرام خدا را حلال و حلال الهی را حرام کرده اند.

امام (ع) درباره ذلت ناپذیری خود به عنوان هدف دیگر از قیام خویش، بیانات دیگری نیز دارد، از جمله در مقابل پیشنهاد عبیدالله که حضرت را بین کشته شدن و بین بیعت کردن با یزید مخیر کرده بود، می‌فرماید:

«... هیهاتَ مِنْكَ الذِّلَّةُ يَا أَبِیْ اَیُّ ذَٰلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ »

از ما دور باد که پستی را پیشه خود کنیم، (چراکه) خدا و رسول او از آن ابا دارند.

نکته شایان توجّه در این فراز آنکه امام حسین (ع) عدم ذلت پذیری خود را مستند به امر خدا و سیره رسول خدا (ص) و مؤمنان می‌داند، چراکه مؤمن واقعی با پیروی از فرمان خدا و تأسّی به سیره رسول خدا (ص)، به هیچ رو به ذلّت تن در نمی‌دهد و باز فرمود: مرگ در عزت، بهتر از زندگی در ذلّت است.

از مجموع این سخنان، این اهداف را می‌توان استفاده کرد:

الف - ترویج حقّ و عمل به آن

ب - نهی از ترویج باطل و بازداشتن از عمل به آن

ج - عدم پذیرش زندگی دلّت‌بار و ننگین دنیا و انتخاب زندگی با سعادت آخرت.

از دیدگاه امام صادق (ع)، سیدالشهدا (ع) با نهضت عاشورا، اهداف زیر را دنبال می‌کردند:

الف - نجات مسلمانان از بی‌خبری نسبت به احکام دین و وظایف خویش در برابر پروردگار

ب - رهایی بندگان خدا از گمراهی با آگاه ساختن آنان به لزوم پیروی از رهبران واقعی دین

با ژرف اندیشی در این موضوع میتوان فهمید که امام (ع) علّت و انگیزه قیام خویش را، مبارزه با منکرات گسترده در جامعه اسلامی و تبلیغ و ترویج معروف در بین مسلمانان، اعلام می‌کنند. بنا براین، فلسفه اصلی و نهایی نهضت حضرت را می‌توان در يك هدف جاّمع و كلّّي یعنی «احیای فرهنگ اسلام اصیل و ناب محمدی (ص) و زدودن زنگارهای تحریف و بدعت از دین جدّشان» خلاصه کرد که راهکار و ابزار لازم این هدف در عنصر «امر به معروف و نهی از منکر» می‌دانند. ازاین‌رو در وصیّت نامه خود می‌نویسند: «ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر»

اگر حضرت علّت حرکت خویش را مبارزه با اموری، همچون رواج بدعت‌ها، مخالفت با کتاب خدا و حلال و حرام الهی، نابودی سنّت پیامبر (ص)، شیطان محوری و ترك خدا محوری، فساد، ظلم، بی عدالتی و ناامنی در جامعه اسلامی، تعطیلی حدود الهی، در انحصار گرفتن و تاراج بیت‌المال مسلمانان و ... می‌دانست، تمام این امور حاکی از فراوانی و شیوع امری به نام «مُنْكَر» در جامعه اسلامی بود، که حضرت خود را موطّف به نهی از آن می‌دانستند و نیز اگر ابا عبد الله (ع) جامعه اسلامی را به اموری از قبیل: عمل به کتاب خدا و سنّت پیامبر (ص)، احیای مظاهر و نشانه های حقّ، ایجاد امنیت، اصلاح و بهبودی وضع امور امّت و مسائلی از این قبیل، فرامی‌خواند، این مسئله نشان‌گر آن است که امری به نام «معروف» در جامعه از بین رفته یا دست‌کم در حال نابودی بود.

آنچه در سیره امام حسین (ع) به عنوان امام معصوم، مسلم و غیرقابل تردید است این مهم است که ایشان حاضر نبودند با شخصی همچون یزید بیعت کرده و حکومت وی را به رسمیت بشناسند، چراکه حضرت با مشاهده و بررسی عمق انحرافات امّت اسلامی در عصر حکومت معاویه و سپس حکومت یزید، به این نتیجه رسیده بودند که دیگر نمی‌توان با موعظه و خطبه‌های آتشین و سخنرانی‌های تهدیدآمیز و تحریک‌کننده، انحرافی را که در مبانی اعتقادی و سیاسی جامعه اسلامی و نیز در دستگاه خلافت رسوخ کرده، از بین ببرند. بلکه تنها راه درمان و نجات امّت اسلامی، برپایی يك نهضت عمیق است که بازتاب و گستره آن، افزون بر آن‌که فرامکانی باشد، فرازمانی نیز بوده و در گستره زمان، الگویی برای آزادمردان تاریخ

باشد. ایشان با این حرکت می‌خواستند ضمن بازگشت به اسلام ناب محمدی وحدت و همدلی را در بین همه مسلمانان برقرار کنند.